



۲۰۱۸/۰۸/۰۶



حامد نوید

با توجه به اوضاع وطن اینک غزل تازه سروده ام را با شما شریک می سازم

سر چشمه کیوان

این خاک که در خون شده یاران وطن ماست
وین خانه ویران شده بیت الحزن ماست
هر خشت که از پیکر این خانه شود کم
چون پاره جانیت که عضو بدن ماست
دودی که بلند است ازین خاک دریغا
از سوختن گلشن و دشت و دمن ماست
بیگانه گهی در پی آبادی ما نیست
ور هست زیغمای دیار کهن ماست
این کاخ پی کاخ بر افراشته هر سوی
از خون تن هموطن بی کفن ماست
بالایی انسان نه به رنگ است و تبار است
وین گفته نغزیست که درج سخن ماست
سرشار می ناب صفا است به خلقت
خونیکه روان در رگ هر مرد و زن ماست
حرفی که ز کین سینه خلقی بگذارد
خاری ست که بر دیده هر هموطن ماست

چون زاده عشق ز سر چشمه کیوان
از عشق بگوئیم که تا جان به تن ماست
هر سرو چو شاداب شود در دل بستان
از پرورش ما و ز پیراستن ماست
هرچند که دوریم از آن خاک گهربار
تا هست توان نام وطن بردهن ماست

حامد نوید ۵ اگست ۲۰۱۸، ویرجینیا

